

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۷/۱۱/۱۵۳۹۸۷  
۱۷/۱۱/۸



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی  
گروه تحقیقات سیاسی اسلام

رساله دکتری رشته علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی

مبانی اندیشه سیاسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: با تأکید بر اندیشه  
سیاسی امام خمینی، مقام معظم رهبری و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما

دکتر موسی نجفی



استاد مشاور

دکتر سیدعباس عراقچی

۱۳۸۷ / ۱۹ / ۵

پژوهشگر

محمدتقی حسینی

مرداد ماه ۱۳۸۷

۱۰۱۱۰۶



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی

هیأت داوران در تاریخ ۱۳۸۷/۶/۲

رساله دکتری رشته علوم سیاسی « آقای محمدتقی حسینی »

تحت عنوان

« مبانی اندیشه سیاسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ( با تأکید بر

قانون اساسی، امام « ره » و رهبری)»

را بررسی کردند و رساله با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای رساله، جناب آقای دکتر نجفی با مرتبه علمی استادیار

۲. استاد مشاور رساله، جناب آقای دکتر عراقچی با مرتبه علمی استادیار

۳. استاد داور خارجی گروه، جناب آقای دکتر لاریجانی با مرتبه علمی استاد

۴. استاد داور خارجی گروه، جناب آقای دکتر سجادیپور با مرتبه علمی استادیار

۵. استاد داور خارجی گروه، جناب آقای دکتر ظریف با مرتبه علمی استادیار

امضا

امضا

امضا

امضا

امضا

امضای رئیس پژوهشگاه

امضای مدیر گروه

امضای نماینده مدیریت

تحصیلات تکمیلی

محمد

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ

أَنَا مَوْلَاكَ... وَأَنْتَ ظُهُورُكَ

سلام بر تو ای مولای من

من غلام تو هستم... و در انتظارت ظهورت می باشم.

فرازی از زیارت حضرت بیته الله در امانه، در روز جمعه

جمال الاسبوع، صفحه ۴۱ و ۴۲

تقدیم به همه آنان که عمر خود را صرف گسترش دانش و بویژه علوم انسانی و باروری اندیشه سیاسی در این مرز و بوم نموده‌اند.

به همه آنانی که در صحنه‌های مختلف بین المللی گمنام و بی هیاهو برای پیشبرد سیاست خارجی این کشور تلاش کرده‌اند و با تدبیر و تفکر موجب درخشش نام ایران در جهان گردیدند.

به همه آنانی که برای دفاع از ایران و انقلاب اسلامی جان خود را بر سر پیمان نهادند و به شهادت رسیدند.

و تقدیم به برادر عزیزم: شهید احمد حسینی

خداوند بزرگ را به خاطر همه نعمتهایی که به ما ارزانی داشته است، شکر می‌کنم و به درگاهش برای مزید توفیقات دست به دعا برمی‌دارم.

از همه اساتید بزرگواری که از خرمن دانش آنان خوشه برچیده‌ام، قدردانی می‌کنم. از استاد راهنمای محترم این رساله جناب آقای دکتر موسی نجفی و استاد مشاور محترم جناب آقای دکتر سید عباس عراقچی که با راهنمایی و کمک‌های بی‌دریغشان در به ثمر رسیدن این رساله، اینجانب را یاری کرده‌اند، صمیمانه سپاسگزارم و برای آنان از خداوند بزرگ سلامتی و طول عمر همراه با موفقیت روز افزون مسئلت دارم.

از خانواده عزیزم بویژه از همسر و فرزندانم که از همکاری‌های بی‌دریغشان در همه مراحل تحصیل در مقطع دکتری و تدوین این رساله برخوردار بوده‌ام صمیمانه قدردانی می‌کنم. بدون مساعدت‌ها و کمک‌های آنان انجام این کار امکان پذیر نبود.

یاد و خاطره همه عزیزانی را که در مقاطع مختلف تحصیلی و بویژه در دوره دکتری با آنان مأنوس بوده‌ام، گرامی می‌دارم و برای همه آنان سلامتی، موفقیت و کامیابی آرزو می‌کنم و در پایان از خداوند بزرگ می‌خواهم که:

متصل گردان به دریا‌های خویش

قطره دانش که بخشیدی ز پیش

## مبانی اندیشه سیاسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی، مقام معظم رهبری و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

رساله حاضر در مورد ارتباط اندیشه سیاسی و سیاست خارجی است. عناصر مختلفی در شکل دادن به سیاست خارجی نقش دارند. عواملی همچون ساخت حکومت، موقعیت جغرافیایی، حضور در ائتلاف‌های سیاسی و نظامی و نیازهایی که یک کشور برای حفظ خود و یا گسترش توانایی‌های خود با آنها روبروست در شکل‌دهی به سیاست خارجی مؤثرند. در مطالعه سیاست خارجی عمدتاً این عوامل در نظر گرفته می‌شوند. عامل مهم دیگری که در شکل‌گیری سیاست خارجی تأثیر دارد اندیشه‌های سیاسی مؤثر در یک حکومت است. این موضوع ممکن است از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد.

سؤال اصلی رساله موجود در مورد تأثیر اندیشه سیاسی در سیاست خارجی است. رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از چه اندیشه‌ها و مبانی نظری برخوردار می‌باشد؟ نسبت این مبانی نظری با واقعیات عینی در صحنه بین‌المللی و نیازهای ملی ایران چگونه است؟

فرضیه اصلی رساله این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران علیرغم فراز و نشیب‌های گوناگون و تفاوت‌های رفتاری در مقاطع مختلف، از پایگاه نظری واحد و اندیشه سیاسی معینی برخوردار بوده است. این پایگاه نظری منبعت از دیدگاه عدالت‌طلبانه و آرمانخواهانه‌ای است که طی فرآیند طولانی در جریان اندیشه سیاسی شیعه به انقلاب اسلامی ایران منتهی شد و موجب هویت جدیدی گردید. رفتار سیاست خارجی ناشی از این اندیشه در عین اینکه از ویژگی شالوده‌شکنی برخوردار است، نسبت به اقتضائات زمان و مکان نیز هشیار است و در موارد لزوم در پی انطباق و پاسخگویی به شرایط بوده است. فرآیند مداومی از انطباق، تعارض و یا ستیز بین این رفتار سیاست خارجی و نظام بین‌الملل جریان داشته است.

برای آزمون این فرضیه در رساله حاضر دو دسته اقدام صورت گرفته است. اقدام اول ریشه‌یابی این اندیشه سیاسی بوده است. از این منظر آبشخورهای دینی، تاریخی و تکاملی اندیشه سیاسی که به نظر این رساله تغذیه‌کننده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند، مورد شناسایی و معرفی گردیده‌اند.

اقدام بعدی ترجمان این اندیشه سیاسی در عمل و مواجهه با واقعیت‌های موجود در صحنه بین‌المللی بوده است. نمودهای مختلف تأثیر این اندیشه سیاسی در سیاست خارجی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بنابراین موضوع از منظر اندیشه سیاسی و معرفت‌شناسانه مورد مطالعه قرار گرفته است.

در این رساله تأکید زیادی بر موضوع غرب صورت گرفته است. دلیل این موضع‌نگاه متفاوتی است که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و غرب نسبت به بسیاری از موضوع‌های سیاست وجود دارد و منشأ این نگاه متفاوت نیز دو نوع اندیشه سیاسی مؤثر در سیاست خارجی غرب و جمهوری اسلامی ایران است. غرب و جمهوری اسلامی ایران هر دو به پایان تاریخ نظر دارند. اما هریک افق خاصی را می‌بینند. غرب و جمهوری اسلامی ایران هر دو برای سیاست خودشان اندیشه داشتن قائل هستند و سیاست را بر این مبنا توجیه می‌کنند. غرب و جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود در گذرگاه‌های مختلفی به یکدیگر

می‌رسند. این تلاقی عمدتاً آسان و راحت نبوده است. در نقاط مختلفی اندیشه سیاسی جمهوری اسلامی ایران با غرب اگر در تقابل نباشد در تعارض هست. به بیان دیگر موضوع پرسش از غرب بوسیله سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و یا پشتوانه اندیشه سیاسی متفاوت از غرب صورت گرفته است. همانگونه که غرب برای تعریف خود به نوعی معارض تراشی دست می‌زند، برای تبیین اندیشه سیاسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز غرب همین ویژگی معارض را دارد. برای هر دو طرف نوعی بحث هویت سازی مطرح است. این رساله بر این تفاوت ها اذعان دارد و آنها را بررسی کرده است. اما آنچه که رساله حاضر ارائه می نماید این است که نتیجه معارض بودن لزوماً برخورد کردن نیست. در بسیاری از موارد امکان تعامل وجود دارد و لازمه تعامل نیز کنار گذاشتن هویت نیست.

## فهرست مطالب

۱	مقدمه
۱۲	فصل اول) روش‌شناسی در مطالعه سیاست
۱۳	بخش اول: چند وجهی بودن تفکر و ضرورت معرفت‌شناسی
۱۳	۱-۱-۱- مرز بندی علوم
۱۴	۱-۱-۲- فلسفه سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی
۱۵	۱-۱-۳- جامعه‌شناسی سیاسی
۱۶	۱-۱-۴- نقش قدرت
۱۷	۱-۱-۵- جایگاه روش‌شناسی
۱۹	۱-۱-۶- پیامدهای روش تجربه‌گرا
۲۱	۱-۱-۷- لزوم الگو برای محقق علوم انسانی
۲۳	۱-۱-۸- فقدان پارادایم و بحران نظریه‌پردازی
۲۳	۱-۱-۹- چارچوب‌های مفهومی
۲۵	بخش دوم: رهیافت‌های شناخت در علم سیاست
۲۵	۱-۲-۱- رهیافت به مثابه ابزار
۲۶	۱-۲-۲- رهیافت سنتی: واقع‌گرایی - آرمانگرایی
۲۸	۱-۲-۳- پوزیتیویسم و رفتارگرایی - پایان علم
۳۰	۱-۲-۴- فرا اثبات‌گرایی
۳۲	۱-۲-۵- واقع‌گرایی انتقادی
۳۵	بخش سوم: تحول علوم سیاسی در ایران
۳۵	۱-۳-۱- گسترش مطالعات سیاسی
۳۶	۱-۳-۲- شکل‌گیری علوم سیاسی در ایران
۳۹	۱-۳-۳- بعد از انقلاب اسلامی
۴۲	بخش چهارم: ادبیات موجود در زمینه سیاست خارجی
۴۲	۱-۴-۱- رهیافت‌ها و روش‌ها
۴۳	۱-۴-۲- چارچوب تحلیلی
۴۴	۱-۴-۳- بازبینی پارادایم ائتلاف
۴۵	۱-۴-۴- نظریه معرفتی نوپسامدرن
۴۶	۱-۴-۵- نوزایی اسلام - دولت اخلاقی



۴۸	۶-۴-۱- ره یافتی توصیفی - تاریخی
۴۹	۷-۴-۱- چارچوب‌های مفهومی
۵۰	۸-۴-۱- اصول و مسائل
۵۱	۹-۴-۱- گفتمان‌های سیاست خارجی
۵۲	۱۰-۴-۱- لزوم تعریف منافع ملی
۵۴	۱۱-۴-۱- در نگاه غرب
۵۸	نتیجه‌گیری فصل اول

فصل دوم) فرآیند شکل‌گیری و تحول اندیشه سیاسی

۶۰	بخش اول: تکاپوی یافتن شهر آرمانی
۶۱	۱-۱-۲- اندیشه و آرمان‌شهر
۶۲	۲-۱-۲- پیوند زمان گذشته و آینده
۶۵	۳-۱-۲- مدینه فاضله متفکران مسلمان - مسئله معنا
۶۷	۴-۱-۲- تفاوت در غایت و تفاوت در مسیر
۶۸	۵-۱-۲- جایگاه امر قدسی
۶۹	۶-۱-۲- پیامدهای مختلف
۷۱	بخش دوم: شکل‌گیری اندیشه سیاسی در اسلام
۷۱	۱-۲-۲- جریان تدریجی اندیشه
۷۴	۲-۲-۲- تحول اندیشه سیاسی در عالم اسلامی
۷۷	۳-۲-۲- واقعه غدیر
۷۹	۴-۲-۲- عصمت و مشروعیت
۸۰	۵-۲-۲- واقعه کربلا
۸۳	۶-۲-۲- مسئله غیبت و انتظار
۸۵	۷-۲-۲- مسئله مشروعیت
۸۷	بخش سوم: گسترش اندیشه سیاسی شیعه
۸۷	۱-۳-۲- خروج از تقیه
۸۸	۲-۳-۲- حکومت آل بویه
۹۰	۳-۳-۲- خواجه نصیرالدین طوسی
۹۵	۴-۳-۲- اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی
۹۷	بخش چهارم: شکل‌گیری هویت ملی
۹۷	۱-۴-۲- حکومت صفویان
۱۰۱	۲-۴-۲- جنبش‌های اسلامی هویت‌بخش

۱۰۲	۳-۴-۲- جنبش سریداران
۱۰۳	۴-۴-۲- جنبش تنباکو
۱۰۴	۵-۴-۲- جنبش مشروطیت
۱۰۷	۶-۴-۲- استبداد ایرانی
۱۱۴	نتیجه‌گیری فصل دوم
۱۱۶	فصل سوم ( اندیشه‌های سیاسی انقلاب اسلامی
۱۱۷	بخش اول: اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره)
۱۱۷	۳-۱-۱- نظریه‌پردازی و عمل سیاسی
۱۱۷	۳-۱-۲- مراحل تطور اندیشه امام خمینی (ره)
۱۱۹	۳-۱-۳- زمینه فکری- عبور از دایره فقه اصغر
۱۲۴	۳-۱-۴- سیاست عادلانه
۱۲۷	بخش دوم: دیدگاه سیاست خارجی
۱۲۷	۳-۲-۱- تداوم سیاست داخلی
۱۳۰	۳-۲-۲- سیاست نه شرقی، نه غربی
۱۳۱	۳-۲-۳- استکبار ستیزی
۱۳۳	۳-۲-۴- نگرش متفاوت نسبت به قدرت
۱۳۹	بخش سوم: دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سیاست خارجی
۱۳۹	۳-۳-۱- تداوم مسیر مبارزه
۱۴۴	۳-۳-۲- تأسیس و تداوم
۱۴۴	۳-۳-۳- شأن دولتمردی
۱۴۷	۳-۳-۴- سه اصل راهنمای مهم
۱۴۹	۳-۳-۵- اصل عزت
۱۵۱	۳-۳-۶- اصل حکمت
۱۵۳	۳-۳-۷- اصل مصلحت
۱۵۵	۳-۳-۸- موازنه بین اصول سه گانه
۱۵۵	۳-۳-۹- برجستگی آرمان‌خواهی در دیدگاه رهبری
۱۵۹	بخش چهارم: قانون اساسی و سیاست خارجی
۱۵۹	۳-۴-۱- آرمان‌ها و منافع ملی
۱۶۱	۳-۴-۲- اصول کلی راهنمای سیاست خارجی
۱۶۱	۳-۴-۳- نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری
۱۶۲	۳-۴-۴- حفظ استقلال همه جانبه کشور و تمامیت ارضی

- ۱۶۵ ۳-۴-۵- تعهد برادرانه نسبت به مسلمانان جهان و حمایت از مستضعفان
- ۱۶۶ ۳-۴-۶- اتحاد ملل اسلامی- امت واحده
- ۱۶۹ ۳-۴-۷- عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر
- ۱۶۹ ۳-۴-۸- روابط صلح آمیز با دول غیر محارب
- ۱۷۱ ۳-۴-۹- مؤلفه های اصلی سیاست خارجی
- ۱۷۵ نتیجه گیری فصل سوم

### فصل چهارم) آرمان و واقعیت در سیاست خارجی

- ۱۸۰ بخش اول: رویدادهای بزرگ و پیامدها
- ۱۸۰ ۴-۱-۱- رابطه نظر و عمل
- ۱۸۳ ۴-۱-۲- جایگاه کشور و مسئله بقا
- ۱۸۶ ۴-۱-۳- محیط های بین المللی حاکم بر سیاست خارجی
- ۱۸۷ ۴-۱-۴- بازی در محیط بین المللی دو قطبی
- ۱۸۷ ۴-۱-۵- سیاست نه شرقی نه غربی - در مقابل موازنه
- ۱۸۹ ۴-۱-۶- ماجرای گروگان گیری
- ۱۹۳ ۴-۱-۷- صدور انقلاب
- ۱۹۹ ۴-۱-۸- فتوای امام خمینی علیه نویسنده کتاب آیات شیطانی
- ۲۰۲ ۴-۱-۹- رهیافت های نظری
- ۲۰۳ ۴-۱-۱۰- رهیافت صدور مطلق انقلاب
- ۲۰۴ ۴-۱-۱۱- دکترین ام القری
- ۲۰۶ ۴-۱-۱۲- گفتگوی تمدن ها
- ۲۰۹ بخش دوم: آزمون های دشوار
- ۲۰۹ ۴-۲-۱- جنگ تحمیلی
- ۲۱۰ ۴-۲-۲- شرایط منطقه
- ۲۱۲ ۴-۲-۳- تحریک بیگانگان - سیستم بین المللی
- ۲۱۴ ۴-۲-۴- شخصیت صدام
- ۲۱۵ ۴-۲-۵- ترس از گسترش پیام انقلاب اسلامی در بین شیعیان عراق
- ۲۱۶ ۴-۲-۶- سیاست خارجی ایران در جنگ ایران و عراق
- ۲۲۱ ۴-۲-۷- دیپلماسی بین المللی در جنگ ایران و عراق
- ۲۳۰ بخش سوم: نظام بین المللی در حال تغییر
- ۲۳۰ ۴-۳-۱- نظام بین المللی انتقالی

۲۳۰	۲-۳-۴- حمله عراق به کویت ۱۹۹۰ (۱۳۶۹)
۲۳۱	۳-۳-۴- دیپلماسی نامه‌ها
۲۳۵	۴-۳-۴- جنگ اول خلیج فارس
۲۳۸	۵-۳-۴- پیامدهای جنگ اول خلیج فارس
۲۴۱	۶-۳-۴- سیاست بی‌طرفی ایران
۲۴۳	۷-۳-۴- تغییر بزرگ در محیط پیرامونی ایران
۲۴۴	۸-۳-۴- همسایگی با ابرقدرت
۲۴۵	۹-۳-۴- غروب یک امپراطوری
۲۴۸	۱۰-۳-۴- خزر، کانون بحث‌ها و اختلاف‌ها
۲۵۲	بخش چهارم: فضای بین‌المللی امنیتی شده
۲۵۲	۱-۴-۴- حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و تحولات متقابل آن
۲۵۵	۲-۴-۴- تقسیم جهان
۲۵۹	۳-۴-۴- جنگ علیه تروریسم
۲۶۴	۴-۴-۴- ایران و یازده سپتامبر
۲۶۶	۵-۴-۴- موضوع هسته‌ای ایران
۲۷۰	۶-۴-۴- خواسته‌های شورای امنیت
۲۷۰	۷-۴-۴- اقدامات تنبیهی
۲۷۵	۸-۴-۴- اقدامات متقابل جمهوری اسلامی ایران
۲۷۶	۹-۴-۴- توافق جمهوری اسلامی ایران و آژانس
۲۷۸	۱۰-۴-۴- الگوی رفتاری شورای امنیت
۲۸۲	نتیجه‌گیری فصل چهارم

۲۸۴	فصل پنجم ( ایران و غرب
۲۸۵	بخش اول: انقلاب اسلامی و پایان تاریخ
۲۸۵	۱-۱-۵- دو نگاه متفاوت
۲۸۶	۲-۱-۵- الف: نظریه پایان تاریخ
۲۸۷	۳-۱-۵- استراتژی سیاسی یا فلسفه تاریخ
۲۸۸	۴-۱-۵- پیشرفت تاریخی
۲۸۹	۵-۱-۵- دیدگاه هگل
۲۹۱	۶-۱-۵- مذهب طبیعی و مذهب زیبایی شناختی
۲۹۲	۷-۱-۵- مردان بزرگ، حاملین برگزیده روح
۲۹۳	۸-۱-۵- لیبرالیسم و دمکراسی

۲۹۵	۹-۱-۵- مارکس و نیچه
۲۹۶	۱۰-۱-۵- پیشرفت به حاشیه‌ها
۲۹۷	۱۱-۱-۵- ب: پایانی متفاوت برای تاریخ
۲۹۸	۱۲-۱-۵- تفاوت بنیادی
۲۹۹	۱۳-۱-۵- عدالت به عنوان جوهر سیاست
۳۰۰	۱۴-۱-۵- هدف نهایی تاریخ
۳۰۱	۱۵-۱-۵- تداوم تجدد
۳۰۴	بخش دوم: هلال شیعی و قوس سنی
۳۰۴	۱-۲-۵- خاور میانه جدید
۳۰۵	۲-۲-۵- تحولات عراق
۳۰۶	۳-۲-۵- حزب الله و جنگ ۳۳ روزه
۳۰۸	۴-۲-۵- شک و بهت از درون منطقه
۳۰۸	۵-۲-۵- نگاه فرامنطقه‌ای
۳۰۹	۶-۲-۵- کودتا در اولویت‌ها
۳۱۲	۷-۲-۵- دیدگاه ایرانی
۳۱۳	۸-۲-۵- راه پیش‌رو
۳۱۷	بخش سوم: غرب ستیزی و غرب‌گرایی
۳۱۷	۱-۳-۵- واکنش یا ابتکار
۳۱۸	۲-۳-۵- شرق فرهنگی و غرب فرهنگی
۳۲۰	۳-۳-۵- فقدان غرب شناسی
۳۲۱	۴-۳-۵- دیدگاه تاریخی
۳۲۲	۵-۳-۵- عصر استعمار
۳۲۳	۶-۳-۵- واکنش‌ها در برابر استعمار
۳۲۵	۷-۳-۵- جریان اصلاحی
۳۲۷	۸-۳-۵- انقلاب اسلامی ایران و غرب
۳۲۸	۹-۳-۵- برخورد تمدن‌ها
۳۳۲	۱۰-۳-۵- سرنوشت خاورمیانه
۳۳۵	۱۱-۳-۵- آیا مشیت آهنین کارساز است؟
۳۳۷	۱۲-۳-۵- عدالت برای همه
۳۴۰	بخش چهارم: غرب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۳۴۰	۱-۴-۵- مسئله دائمی
۳۴۱	۲-۴-۵- تقابل یا تفاهم

۳۴۲	۳-۴-۵- آمریکا
۳۴۴	۴-۴-۵- اروپا
۳۴۷	۵-۴-۵- اسرائیل
۳۴۹	۶-۴-۵- از شناسایی تا قطع رابطه
۳۵۰	۷-۴-۵- مبارزه جویی در پشت مرز
۳۵۲	۸-۴-۵- ضربه از طریق حامیان
۳۵۵	نتیجه گیری فصل پنجم
۳۵۹	نتیجه گیری
۳۷۴	فهرست منابع

## بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمه

روش‌های مختلفی برای مطالعه سیاست خارجی مورد استفاده محققان قرار می‌گیرد. بررسی نظریه‌های سیاست خارجی و روابط بین‌الملل و انطباق بین رفتار سیاست خارجی و نظریه‌ها فراگیرترین روشی است که در مطالعه سیاست خارجی بکار گرفته می‌شود. رفتار سیاست خارجی در موارد زیادی معطوف به نظریه یا اندیشه‌هایی است که براساس پیشینه و تجارب تاریخی یک کشور یا یک حکومت شکل گرفته‌اند و به صورت اصول راهنما و تعیین‌کننده درآمده‌اند. مطالعه سیاست خارجی بدون توجه عمیق به این اندیشه‌ها و نظریه‌ها به نتیجه‌گیری متقن و واقع‌گرایانه‌ای منتهی نخواهد شد.

سیاست خارجی در خلأ شکل نمی‌گیرد و عوامل مختلفی در پدید آمدن آن نقش دارند. برخی از این عوامل از نیازهای جاری سرچشمه می‌گیرند و هر دولتی که در یک سرزمین مستقر باشد، ناچار است نسبت به برآوردن آنها اقدام کند. تأمین نیازهای دفاعی و حفظ موجودیت کشور و حکومت، تأمین نیازهای اقتصادی، روابط تجاری، مراوده با دنیای خارج برای تأمین نیازهای صنعتی و علمی، انجام فعالیت‌های بانکی و پولی، تسهیل تجارت، تنظیم مقررات برای گردشگری و صدها موضوع دیگر از این دست از جمله این عوامل هستند.

دسته دیگری از عوامل که در شکل‌گیری سیاست خارجی نقش دارند، محدود به نیازهای جاری نیستند. این عوامل اندیشه‌هایی هستند که رفتار سیاست خارجی از آنها متأثر است. رفتار سیاست خارجی منعکس‌کننده این اندیشه‌هاست. هرچند که ممکن است به ظاهر نشانی ملموس از آنها

دیده نشود، اما در کنه رفتار سیاست خارجی می‌توان آنها را شناسایی کرد. مفید بودن یا مؤثر بودن این اندیشه‌ها را نمی‌توان با تحلیل هزینه و فرصت‌های اقتصادی محاسبه کرد. بعنوان مثال در رفتار سیاست خارجی بلوک غرب اندیشه لیبرالیسم به نحو تعیین کننده ای مؤثر است. هرچند که این اندیشه توانسته است منافع مادی و اقتصادی بلوک غرب را تأمین کند اما حضور این اندیشه در سیاست خارجی فراتر از این است که صرفاً با تحلیل هزینه و فرصت‌های اقتصادی سنجیده شود. پیامدهای دیگر فرهنگی، فکری و الگوسازی رفتاری بر حضور این اندیشه در سیاست خارجی مترتب می‌گردد.

مطالعه سیاست خارجی جدا و منفک از اندیشه‌هایی که آن را به حرکت در می‌آورند، گرفتار سطحی‌نگری و منتهی به ارائه گزاره‌هایی ناقص و نارسا خواهد شد. این نوع مطالعه سیاست خارجی را «مطالعه عوارض سیاست خارجی» می‌توان نامید که به سطح بسنده کرده و نتوانسته است به عمق فرو رود. ما در این مطالعه به عوارض سیاست خارجی نمی‌پردازیم بلکه به دنبال شناخت اندیشه‌ها و مبانی نظری هستیم که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مؤثر هستند. هرچند در مواردی نیز ناچاریم به عوارض سیاست خارجی نیز بپردازیم. همچنین می‌خواهیم تعیین کنیم که این مبانی نظری چگونه با واقعیات عینی انطباق یافته یا اینکه پس زده شده‌اند.

انطباق یافتن یا پس زده شدن همزاد حضور اندیشه در سیاست است. گویی آنکه چالش مداومی برای اندیشه وجود دارد تا بتواند خود را بر سیاست بار کند. رام کردن اسب وحشی سیاست چندان کار آسانی نیست. بویژه آنکه عوامل و مجریان سیاست در موارد فراوانی نمی‌خواهند خود را به قیود بیرون از مرز سیاست مقید کنند. عنصر دیگری که در جامعه شناسی سیاسی از آن بعنوان ساختار یا محیط شکل دهنده سیاست بین‌المللی یاد می‌کنند، خواهان پیروی کردن از الگوهای استقرار یافته است و حضور الگوهای غریب را به شدت مورد هجوم قرار می‌دهد. این هجوم تا آنجا ادامه می‌یابد تا آنکه الگوهای غریب از صحنه کنار زده شوند و آنگاه که ساختار موجود در این زمینه توفیق نیابد می‌کوشد تا نوعی انطباق برقرار کند و تا آنجا که ممکن است ارزشهای خود را به این الگوی غریب تحمیل کند. بنابراین همواره یک فرایند ستیز، امحاء یا انطباق بین ساختار موجود بین‌المللی و الگوی جدید در جریان است. حضور این فرایند در طول تاریخ سیاست قابل ملاحظه و بررسی است و شواهد متعددی برای آن یافت می‌شود.

سؤال اصلی ما در این تحقیق آن است که: رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از چه اندیشه‌ها و مبانی نظری برخوردار است و نسبت این مبانی نظری با واقعیات‌های عینی در صحنه بین‌المللی و نیازهای ملی ایران چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها و ارائه فرضیه تبیین چند



نکته اهمیت دارد:

الف- جامعه ایران از قدمتی چند هزارساله و محلی ثابت و جغرافیایی متحول و در عین حال پا برجا برخوردار است. تمدن ایرانی به اعتراف محققان تنها تمدنی است که عمدتاً در خشکی گسترش یافته است. بر خلاف اکثر تمدنهای دیگر که به نوعی با آب گسترش یافته اند. هویت ایرانی در طی فراز و نشیبهای زیاد شکل گرفته است. کهن بودن ایران، به این کشور هویتی مستقل و جدا بخشیده است که بازتاب آن در سیاست خارجی با نوعی استقلال‌گرایی همراه است. ایران همیشه با مسئله گذشته روبرو است. ایران زمانی یکی از قدرتهای بلامعارض جهان بوده است و بعد از ورود به دوران اسلامی تدریجاً به اثر گذارترین نیروی درون تمدن اسلامی تبدیل شده است. تأثیر جامعه ایرانی در تمدن اسلامی تأثیری فرهنگی بوده است. ایرانیان هرگز ادعا نکرده اند که اسلام با قوت بازو و شمشیر آنها پیش رفته است. ایرانیان با نیروی اندیشه و قلم در گسترش اسلام نقش ایفا کرده اند و از این جهت تأثیری ماندگار در گسترش اسلام داشته اند. ساختارهای دیوانی و اداری در جهان اسلام توسط ایرانیان ایجاد شدند. اکثر رشته های علمی در جهان اسلام به همت اندیشه‌گران ایرانی رشد کردند و فراتر از این اندیشه اسلامی از این طریق راه خود را در جوامع غیراسلامی هم باز کرد. کلام مسیحی در قرون وسطی بویژه عمیقاً تحت تأثیر اندیشه گران ایرانی است. ژیلسون نحله فلسفی «آگوستینی - ابن سینایی»<sup>۱</sup> را معرفی می‌کند که عمیقاً ایرانی است. دومینکن‌ها همچون آلبرت کبیر و توماس آکوئیناس به وضوح تحت تأثیر استدلال‌های ابن‌سینا هستند. برای روزگاران طولانی در غرب ابن سیناهای ساختگی<sup>۲</sup> منتشر شدند زیرا که متفکران غربی برای آنکه بتوانند دیدگاههای خود را بیان کنند و با مجازاتهای کلیسا روبرو نشوند، از این نام پرآوازه ایرانی استفاده می‌کردند. سهم ایرانیان در توسعه و ارتقاء فرهنگ بشری قابل توجه است. این شکوه گذشته همواره در ایران و جامعه ایرانی و اندیشه آن دو گونه احساس را برانگیخته است. یکی احساس حسرت نسبت به گذشته‌ای با شکوه که با تغییر جهان از دست رفته است. سخن ادیب الممالک فراهانی مبنی بر اینکه:

مائیم که از پادشهان باج گرفتیم  
آن روز کز ایشان کله و تاج گرفتیم

تا اینکه

افسوس که این مزرعه را آب گرفته

<sup>۱</sup> Augustinisme avicennisant

<sup>۲</sup> Preudo Avicenne

## دهقان مصیبت زده را خواب گرفته

به خوبی نشان دهنده این احساس افسوس برگزیده‌ای است که جامعه ایرانی از آن رنج می‌برد. اما در عین حال این جامعه به مقتضای همین گذشته پرشکوه از حس دیگری هم برخوردار است. این حس آرمانخواهی است. این حس همواره جامعه ایرانی را بر این می‌دارد تا بقول شمس الدین محمد حافظ به دنبال آن باشد که «فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم». آرمانخواهی از جمله ویژگیهای برجسته‌ای است که در فرهنگ ایرانی ریشه عمیقی دارد و سیاست خارجی جمهوری اسلامی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ب- آموزه‌های اسلامی همچون عدالتخواهی، ظلم ستیزی و یکتاپرستی، در جامعه ایرانی مورد استقبال و پذیرش قرار گرفت و ایرانیان شیفته این آموزه‌ها گردیدند و بیشترین تلاش را برای پیشبرد اهداف آن بعمل آوردند. مذهب تشیع به بهترین وجه نمادهای عدالتخواهی، آرمانخواهی و استقلال طلبی ایرانیان را پاسخ داد. هرچند که ایرانیان از ظلم و ستم دستگاه خلافت همواره شکوه داشته‌اند و به همین سبب هرگاه فرصتی یافتند در تضعیف خلافت کوشیدند، اما نسبت به اهل بیت پیامبر ارادتی خاص و شیفتگی تمام داشته‌اند. زندگی علی (ع) الگویی آرمانی برای ایرانیان بوده است. قیام امام حسین (ع) در مقابل ظلم و فساد بنی‌امیه، منشأ بسیاری از حرکت‌های ایرانیان در مقابل ظلم بوده است و هرگز در جریان تاریخ، رنگ کهنگی به خود نگرفته است.

با از بین رفتن دستگاه خلافت عباسی زمینه‌ای فراهم آمد تا ایرانیان مسیر ایجاد دولت مستقل و حاکمیت ملی را در پیش بگیرند. بر افتادن خلافت فرصتی فراهم کرد تا ایرانیان در پی ایجاد حکومتی مستقل و با هویت ایرانی باشند که از قید وابستگی به خلافت نیز رها باشد. این امر مستلزم تدارک صبورانه‌ای بود که از خانقاه اردبیل پیگیری شد و با تأسیس حکومت صفویان مرشد کامل را از تخت پوست ارشاد به سریر سلطنت کشاند. به همین دلیل صفویه مذهب شیعه را برگزید و از آن بعنوان عنصری متفاوت برای هویت بخشی بهره گرفت. بعبارت دیگر اندیشه امامت و ولایت و گسترده شدن مذهب شیعه، انسانی جدید در ایران پدید آورد که بدنبال پیاده کردن آرمان‌هایی بود که از متن اسلام آموخته بود و خلافت از آنها دورافتاده بود.

این آرمانخواهی و عدالتجویی با فراز و نشیب زیادی در ادوار بعدی تاریخ ایران ادامه یافته و هرگز متوقف نگردیده است. نهضت تنباکو، نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی در تداوم این خط سیر قابل تحلیل هستند.

پ- انقلاب اسلامی نقطه عطف مهمی در تاریخ ایران پدید آورد. انقلاب اسلامی به یک تعبیر نوگرایی را در جامعه ایران از درون سنت‌ها و سرمایه‌های فرهنگی بومی جستجو و پیگیری می‌کرد.

عبارت دیگر انقلاب اسلامی علاوه بر ابراز ناراضیاتی جامعه ایرانی از شرایط خویش، مخالفت با ساختار حاکم بین المللی بود که در حال تحمیل قواعد خود بر دیگران از جمله بر جامعه ایرانی بود. جامعه ایران با این انقلاب در پی نوگرایی، توسعه یافتگی و پیشرفت با حفظ هویت خود بود. این فرایند در سیاست خارجی ایران نیز جریان یافت.

اندیشه‌هایی که انقلاب اسلامی را تغذیه کردند و به پیروزی رساندند، در ربع قرن گذشته سیاست خارجی ایران را نیز جهت دهی کرده اند. درک رفتار سیاست خارجی ایران در پرتو فهم این اندیشه‌ها معنی دار خواهد بود. انقلاب اسلامی عمیقاً متأثر از مذهب شیعه بود و رهبری آن را یک فقیه برجسته شیعه بعهدہ داشت. دیدگاه عدالت طلبانه و آرمانخواهانه تشیع در فرایند طولانی از تحولات سرانجام به انقلاب اسلامی در ایران منتهی گردید. مسئله امامت و ولایت در این انقلاب نقش برجسته ای داشت و از آن حرکتی آرمانخواهانه و عدالت‌خواهانه شیعی بوجود آورد. نمادهای شیعی در تعیین سرشت انقلاب اسلامی تأثیری انکار ناپذیر داشته اند. بن مایه انقلاب اسلامی دیدگاهی بود که بر عدم وابستگی به هر یک از قطب‌های قدرت جهانی اعتقاد عمیق داشت. سخن امام خمینی (ره) مبنی بر عدم تکیه بر شرق و یا غرب که بعنوان رهیافت اصلی سیاست خارجی کشور نمود پیدا کرد، بیانگر استقلال طلبی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

اندیشه‌های آرمانگرایانه ای که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درج گردیدند خطوط اصلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را ترسیم کرده‌اند. در این سند مهم تنها به برآورده شدن نیازهای حکومت و یا ملت ایران اکتفا نشده است. نویسندگان این قانون اساسی بسیار فراتر از این نیازها رفته‌اند و آرمانهایی را برای سیاست خارجی کشور معرفی کرده‌اند که بیش از آنکه به چارچوب حکومتی در جغرافیای سرزمینی ایران محدود شود، به آرزوهای جهانی مربوط می‌گردند. این آرمانها همواره بر رفتار سیاست خارجی ایران در حدود سه دهه اخیر سایه افکنده‌اند. سیاست خارجی ایران در این مدت با چالشی مداوم بین برآوردن این آرمانها یا محدود کردن خود به نیازهای منافع ملی درگیر بوده است.

علاوه بر قانون اساسی خط و مشی رهبران جمهوری اسلامی ایران برای ارائه نظریه‌ای پیرامون رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اهمیت فوق العاده‌ای دارد. دیدگاههای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) حاوی آرمانهای بلندی است که تنها محدود به ایران نیست. برای شخصیتی همچون امام خمینی (ره) محدود شدن به قواعد حکومتی و سخن گفتن از منافع ملی با تعریف رایج آن، امکانپذیر نبود. به عبارت دیگر منافع ملی از دیدگاه امام خمینی در یک افق کاملاً متفاوت قابل توجه است. او بعنوان فقیه برجسته و صاحب نامی که توانسته بود یکی

از بزرگترین تحولات سیاسی قرن بیستم را رهبری کند، در چارچوب حکومتی در یک سرزمین محدود نمی‌شد. هر چند که این حکومت با رهبری او پدید آمده باشد. آرمانهایی که امام خمینی دنبال می‌کرد، جهانی بودند. بسیاری از حرکت‌های امام خمینی (ره) در سطح جهانی منطبق با همین آرمانها بود. این خط و مشی از سوی رهبری جانشین او یعنی حضرت آیت اله خامنه‌ای نیز دنبال شده است. هر چند که تفاوت‌هایی را می‌توان در روش اجرایی دو رهبر انقلاب در حدود سه دهه گذشته ملاحظه کرد، اما آرمانگرایی از ویژگی‌هایی است که هر دو رهبر در اندیشه‌های خود دنبال کرده‌اند. به همین دلیل است که رهبر انقلاب در ایران نه بعنوان «رهبر جمهوری اسلامی» بلکه بعنوان «ولی امر مسلمین جهان» معرفی گردیده است.

بنابراین در طی فرایندهایی که ریشه در تاریخ و کوشش فکری زیاد دارد، نوعی اندیشه سیاسی شکل گرفت که می‌توان آن را «اندیشه سیاسی آرمانگرایانه شیعی» توصیف کرد. مؤلفه‌های عدالتخواهی و استقلال طلبی از ملزومات این اندیشه سیاسی است که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نمودهای آن را می‌توان یافت.

#### فرضیه‌ها

فرضیه اصلی ما در این نوشتار این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران علیرغم فراز و نشیب‌های گوناگون و تفاوت‌های رفتاری در مقاطع مختلف، از پایگاه نظری واحد و اندیشه سیاسی معینی برخوردار بوده است. فرضیه‌های فرعی این نوشتار به قرار زیر می‌باشند:

- این پایگاه نظری منبعث از دیدگاه عدالت طلبانه و آرمانخواهانه‌ای است که طی فرایند طولانی در جریان اندیشه سیاسی شیعه به انقلاب اسلامی ایران منتهی شد و موجب هویت جدیدی گردید.

- اندیشه‌های آرمانگرایانه‌ای که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درج گردیدند خطوط اصلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را ترسیم کرده‌اند. نویسندگان قانون اساسی آرمانهایی را برای سیاست خارجی کشور معرفی کرده‌اند که بیش از آنکه به چارچوب حکومتی در جغرافیای سرزمینی ایران محدود شود، به آرزوهای جهانی مربوط می‌گردند.

- مشی رهبری انقلاب هم در زمان رهبری بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) و هم در زمان رهبری مقام معظم رهبری آیت اله خامنه‌ای، در سیاست خارجی بر دیدگاهی آرمانگرایانه و عدالت خواهانه مبتنی بوده است.

- رفتار سیاست خارجی ناشی از این اندیشه در عین اینکه از ویژگی شالوده‌شکنی